

خلاصه نکات مهم کارگاه های درس پژوهشی

فارسی و نگارش ۳

گردآوری: علی شهبازی

هنرستان علوم - سال تحصیلی ۹۹-۱۴۰۰

کارگاه درس پژوهشی درس ۱

۱- جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

معنا	واژه معادل
دارای نشان پیامبری	وسیم
شادی بخش	مفرح
به خدای تعالی بازگشتن	انابت
قطع کردن مقررری	وظیفه (بریدن وظیفه)

۲- از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

ح (تحریر - حلیه - مفرح) / ق (قسیم - فایق - قبا) / ع (معاملت - مطاع - عاکفان)

۳- واژه های مشخص شده نماد چه مفاهیمی هستند؟

مرغ سحر (عاشق غیر حقیقی) / پروانه (عاشق حقیقی)

۴- با توجه به عبارت زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشده.

- فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیورود.

پاسخ: الف) سجع (رسیده، کشیده) / ب) (بگسترد، پیورود) (ب) فرش زمردین: استعاره از سبزه و گیاه

۵- معنی و مفهوم عبارت های زیر را به نثر روان بنویسید.

- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معتکف که: ماعبدناک حق عبادتک.

(گوشه نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهی خود در عبادت اقرار می کنند و می گویند: آنچنان که شایسته توست، تو را نپرستیدیم. (مفهوم عجز انسان در برابر خداوند.))

- یکی از صاحب‌دلان سر جیب مراقبت فرو برده و در بحر مکاشفت مستغرق شده.
(یکی از عارفان خداشناس به حال تأمل و تفکر عارفانه فرو رفته بود و در دریای کشف حقایق غرق شده بود.)

۶- مفهوم کلی مصرع‌های مشخص شده را بنویسید.

- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
(روزی خوردن بدون غفلت از خداوند)
- چه غم دیوار عمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح پشتیبان
(پشت گرمی عمّت به حمایت پیامبر (ص) موجب آرامش است.)
- گر کسی وصف او ز من پرسد / بی دل از بی نشان چه گوید باز؟
(عجز عاشق از توصیف معشوق بی نشان.)

کارگاه درس پژوهشی درس ۳

۱- معادل معنایی واژه های مشخص شده را در متن درس بیابید.

- سریر ملک عطا داد کردگار تو را / به جای خویش دهد هر چه کردگار دهد.

سریر: اروند

- دردناک است که در دام شغال افتد شیر / یا که محتاج فرومایه شود مرد کریم

فرومایه: سفله

۲- در متن درس چهار ترکیب وصفی که اهمیت املائی دارند بیابید و بنویسید.

پاسخ: شیر ارغند - سپید معجر - ضربتی چند - مردم نحس

۳- در بیت زیر ترکیب های اضافی را مشخص کنید.

الف) تو مشت درشت روزگاری / از گردش قرن ها پس افکند

ب) زین بی خردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند

پاسخ: مشت روزگار - گردش قرن ها - داد دل - دل مردم

• روش های تشخیص ترکیب وصفی و اضافی

۱- کسره بین دو کلمه را حذف می کنیم سپس بعد از کلمه ی اول ویرگول می گذاریم و در آخر

فعل (است) قرار می دهیم . اگر عبارت معنی داد ترکیب وصفی و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است

مثال

اتاق تمیز - اتاق ، تمیز است : چون معنی دارد ترکیب وصفی است یعنی کلمه ی اتاق «موصوف»

و کلمه ی تمیز «صفت» است .

اتاقِ مدیر - اتاق، مدیر است: چون معنی ندارد ترکیب اضافی است یعنی کلمه ی اتاق «مضاف» و کلمه ی مدیر « مضاف الیه » است.

۲- به آخر کلمه ی دوم (تر) اضافه کنید اگر عبارت معنی داد ترکیب وصفی است. و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است.

مثال

مادرِ دلسوز - مادرِ دلسوزتر: چون معنی دارد ترکیب وصفی است یعنی کلمه ی مادر «موصوف» و کلمه ی دلسوز « صفت » است.

مادرِ من - مادرِ من تر: چون معنی ندارد ترکیب اضافی است یعنی کلمه ی ماد «مضاف» و کلمه ی من « مضاف الیه » است.

۳- کلمه ی بسیار را در وسط دو کلمه قرار می دهیم؛ اگر عبارت معنی داد ترکیب وصفی است. و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است.

شهرِ تمیز - شهرِ بسیار تمیز: چون معنی دارد ترکیب وصفی است یعنی کلمه ی شهر «موصوف» و کلمه ی تمیز « صفت » است.

شهرِ تکاب - شهرِ بسیار تکاب: چون معنی ندارد ترکیب اضافی است یعنی کلمه ی شهر «مضاف» و کلمه ی تکاب « مضاف الیه » است.

۴- در کدام بیت آرایه «حسن تعلیل» به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

پاسخ: بیت سوم: تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دل بند (علت خیالی برای پشت ابر ماندن دماوند).

بیت هفتم: بناوخت ز خشم بر فلک مشت / آن مشت تویی تو ای دماوند (آورد علت خیالی برای پیدایش دماوند)

بیت یازدهم: تو قلب فسرده زمینی / از درد، ورم نموده یک چند (علت خیالی برای بلندی کوه)

بیت دوازدهم: تا درد و ورم فرو نشیند / کافور بر آن ضماد کردند (آوردن علت خیالی برای وجود برف بر قله کوه)

۵- در بیت زیر استعاره ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

- از سیم به سر یکی کله خود / ز آهن به میان یکی کمر بند
کلاه خود سیم (استعاره از برف) - کمر بند آهن (صخره های اطراف کوه)
- پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان شنو یکی پند
آتش (استعاره از خشم)

۶- معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

- بفکن ز پی این اساس تزویر / بگسل ز هم این نژاد و پیوند
(این حکومت را که پایه و اساس آن دروغ است و این نسل حاکم را نابود کن. (دعوت به ظلم ستیزی و نابودی ظلم))

کارگاه درس پژوهشی درس ۵

۱- از متن درس معادل معنایی برای قسمت های مشخص شده، بیابید.

- بیم آن است که از غم عشقت / سر برآرد دلم به شیدایی (فخرالدین عراقی)

شیدایی: دیوانگی

- درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد / من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم (فروغ بسطامی)

ناگزیر: لابد

۲- واژه های مهم املائی را از متن درس بیابید و بنویسید.

پاسخ: مأوا - غایت - فرض - واسطه - مطلوب - ایثار - طالبان - حیات و ممات - محب

۳- کاربرد نمادین «پروانه» را در متن درس و سروده زیر بررسی کنید.

بین آخر که آن پروانه خوش / چگونه می زند خود را به آتش

چو از شمعی رسد پروانه را نور / درآید پرزنان پروانه از دور (عطار)

پاسخ: در تمام موارد «پروانه» نماد عاشق حقیقی است.

۴- برای هر یک از آرایه های زیر نمونه ای از متن درس بیابید.

کنایه: در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند.

تشبیه: تا از معرفت دو پایه نردبان نسازد / تا آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش ببیند.

سجع: جمله نام های حسن یکی جمال است و یکی کمال.

۵- سهروردی، شرط دست یابی به عالم عشق را چه می داند؟

پاسخ: انسان باید معرفت و محبت را مانند دو پله از نردبان کمال قرار دهد.

۶- درک و دریافت خود را از عبارت های زیر بنویسید.

- سودای عشق از زیرکیجهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عاقل ها فزون آید.

پاسخ: اگر انسان از عشق سرشار شود به کمال انسانی خود نزدیک می شود که هدف اصلی آفرینش انسان است؛ چون عشق انسان را از خودخواهی و سودجویی و ظلم و ستم دور می کند؛ اما عقل و زیرکی دنیوی که از بعد نفسانی انسان سرچشمه می گیرد آدمی را در مسیر خودخواهی و غرور و در نهایت سودجویی و درنده خویی قرار می دهد. از این رو عشق بر عقل مادی برتری دارد.

- ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است. ولابد هرچه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان.

انسان در نگاه عرفانی موجودی الهی است که سرمنزلش بازگشت به سوی خداست. در این دیدگاه کمال انسان رسیدن به خداست و این کمال بر او واجب است تا مرحله حیوانی نماند. عشق وسیله ای است که انسان را به خدا می رساند. از همین رو عشق برای رسیدن به خداوند واجب است.

۷- در باره ارتباط معنایی هر بیت زیر با متن درس توضیح دهید.

الف) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع / لایق بزم تو شدن آسان نیست (هوشنگ ابتهاج)

ب) بی عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟ / یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است (حسین منزوی)

(لطفا با برداشت خود به این سوال پاسخ دهید.)

کارگاه درس پژوهشی درس ۷

۱-واژه «طاق» در هر بیت به چه معناست؟

- طاق پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف / بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه (خاقانی)

طاق: یکتا، بی جفت، تنها، بی نظیر / مقابل جفت

- نهاده به طاق اندرون تخت زر / نشانده در هر پایه ای در گهر (فردوسی)

طاق: ایوان

- چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است / چون روی پری رویان با رنگ و نگار است (منوچهری)

طاق: آنچه خمیده باشد از بنا / طاق ابرو: کمان ابرو

۲- پنج گروه کلمه املائی مهم از درس بیابید و بنویسید.

پاسخ: دولت مستعجل - سوء هاضمه - مار غاشیه - طاق ضربی - غایت القصوای مقصود

۳- عبارت و بیت های زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید.

- یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می زد.

(دنیا استعاره از مردم دنیا / چشم داشتن استعاره از انتظار و امید داشتن / چشم زدن استعاره از ترسیدن

و واهمه داشتن)

- کاووس کیانی که کی اش نام نهادند / کی بود کجا بود و کی اش نام نهادند؟

(کی «پادشاه» و کی «چه زمانی» جناس تام دارند. / تکرار صامت «ک و ن» واج آرایبی / تلمیح به داستان

کیکاووس شاه ایران. / بود: تکرار / کاووس، کیانی، کی: مراعات نظیر)

- دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی / مرداد مه و گاه دی اش نام نهادند

(سرد، گرم: تضاد / تکرار صامت «د، م»: واج آرای / دل گرمی استعاره از تاثیر پذیری / دم سردی کنایه از بی تاثیر سخن / مرداد مه، دی: مرعات نظیر)

۴- عبارت زیر، یادآور کدام مثل است؟

«از بیم عقرب جراره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه سرهنگ ها پناه ببرد.»

پاسخ: از بیم مار در دهان اژدها رفتن / از ترس جهنم به مار غاشیه پناه بردن (از چاله به چاه افتادن)

۵- مفهوم کلی هر بیت را مقابل آن در جدول بنویسید.

مفهوم کلی	بیت
معنا: آنچه را که می نام گذاشته اند در اصل خون دل شاهان است که با خاک مخلوط شده است و از دل مو (درخت انگور) بیرون زده است. مفهوم: راحتی امروز بشر دستخوش سختی ها و رنج های گذشتگان است.	با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد خون دل شاهان که می اش نام نهادند
معنا: خضر پیامبر که به مبارک قدمی شهرت دارد، آیین سیر و سلوک عرفانی را از نفس و همت پیشوای حقیقت و عرفان دریافت کرده است. مفهوم: پیروی از پیر حقیقی، موجب سعادت مندی است.	آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند